



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در بیع فضولی بود، از نظر نقل اقوال عرض کردیم پنج قول درباره بیع فضولی در بین خاصه وجود دارد:

قول اول: بطلان عقد فضولی مطلقا، که قول شیخ طوسی در مبسوط و خلاف است.

قول دوم: صحیح است مطلقا، که قول مشهور است.

قول سوم: صحته فی البیع و بطلانه فی الشراء.

قول چهارم: بطلانه فی البیع و صحته فی النکاح، که قول ابن ادریس است.

قول پنجم: بطلانه فی النکاح فی غیر البکر الرشیده.

علامه در ص ۲۱۵ از جلد ۱۰ تذکره در این رابطه می فرماید: «مسأله ۱۱۰: بیع الفضولی جائز عندنا لکن یکون موقوفا علی إجازة المالك، فإن أجاز البیع، لزم، و إلیا بطل. و لا یقع فاسدا فی أصله و لا لازما.

و لا فرق بین البیع و الشراء و به قال مالک و الشافعی فی القديم لآته عقد صدر من أهله فی محلّه، و له مجیز فی حال وقوعه، فجاز أن یقف علی إجازته، کالوصیة.

و لآته علیه السلام دفع إلى عروة البارقي ديناراً یشتري به شاة، فاشتری به شاتین و باع إحداهما بدينار و جاء بشاة، و دينار، فقال النبيّ عليه السلام: {بارک الله فی صفقة یمینک} فأجاز علیه السلام بیع الشاة و شراء الشاتین، و لو کان بیع الفضولی و شراؤه باطلین، لما أقرّه علیه السلام علی ذلك. و قال أبو حنیفة: یقف البیع علی إجازة المالك، و لا یقف الشراء علی إجازة المشتري له، بل یقع للوکیل. و عن أحمد روایتان فی البیع و الشراء جمیعا. و قال الشافعی فی الجدید: یبطل البیع من أصله، لقوله علیه السلام لحکیم ابن حزام: {لا تبع ما لیس عندک}.

شیخ انصاری (ره) در مکاسب درباره بیع فضولی فرمودند: «و کیف کان، فالمهمّ التّعرّض لمسألة عقد الفضولی التی هی من أهمّ المسائل، فنقول: اختلف الأصحاب و غیرهم فی بیع الفضولی، بل مطلق عقده بعد اتّفاقهم علی بطلان إیقاعه (البته ما دلیلی نداریم که ایقاعات فضولی من رأس باطل باشد و اجماع مذکور در کلام شیخ منقول است و حجت نیست) کما فی غایة المراد علی أقوال.»

خوب و اما در مورد فضولی باید عرض کنیم که فضولی شخصی است که مالک نیست و حق خرید و فروش و اجرای صیغه را ندارد لذا مالک و وکیل و وصی و ولی و کسی که از مالک اذن دارد فضولی نیستند.

صاحب جواهر در ص ۲۷۳ از جلد ۲۲ جواهر ۴۳ جلدی بعد از تعریف فضولی و ذکر اقوال مذکور در مسئله و بحثهای فراوان به سراغ عدول مؤمنین رفته و فرموده اگر عدول مؤمنین در جای خودش (یعنی در صورتی که حاکم شرع و ولی فقیه نباشد) بدون اذن مالک صیغه ای را اجرا کنند و معامله ای انجام دهند بلا اشکال است و آنها فضولی نیستند زیرا شکی نیست که در امورات حسبیه و مسائلی که مربوط به معاش و زندگی اجتماعی مردم است فقیه ولایت دارد و در غیاب او عدول مؤمنین همان ولایت را دارند و در واقع یک وظیفه ی اجتماعی آنها می باشد تا اینکه نظام زندگی و معاش مردم مختل نشود، صاحب جواهر در ادامه می فرماید حتی اگر عدول مؤمنین نبودند این امورات وظیفه فساق از مؤمنین می باشد و در واقع این واجب کفائی می باشد.

آیت الله طباطبائی در تفسیر میزان درباره آیه ۲۰۰ از سوره آل عمران حدود ۵۰ صفحه بحث کرده و مطلب

نوشته ، ایشان درباره هیچ آیه ای به این اندازه بحث نکرده آیه این است : « یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و التقوا لله لعلکم تفلحون » ، ایشان ۱۵ مطلب درباره این آیه ذکر کرده که یکی از آنها حکومت اسلامی می باشد که کلاً مربوط به مردم است یعنی مردم نقش بسیار مهمی دارند و امام (ره) نیز خیلی برای مردم اهمیت قائل بود و حتی صدیقه ی طاهره حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها نیز در مثل همین آیامی وقتی به مسجد آمدند در خطبه ای که خواندند اول مردم را مخاطب قرار دادند و فرمودند ای مردم شما چرا ساکت نشسته اید ؟ شما که دیدید پیغمبر (ص) برای خودشان جانشین معین کردند خلاصه حضرت اول مردم را خطاب قرار دادند و بعد سراغ دیگران رفتند و مردم نیز باید آگاه و متدین و متعهد باشند و باید وحدت و انسجام و اتحاد داشته باشند تا بتوانند برای یک زندگی سالم و درست برنامه ریزی کنند ، علی ای حال صاحب جواهر به سراغ عدول مؤمنین و حتی فساق مؤمنین رفته و فرموده اینها فضولی نیستند بلکه فضولی کسی است که هیچ اجازه ای از هیچ جهتی نداشته باشد .

خوب و اما بنده آدرس بحث بیع فضولی در کتب مختلف را یادداشت کرده ام و برای شما نیز می خوانم تا مراجعه و مطالعه کنید :

(۱) امام رضوان الله علیه در جلد ۲ کتاب البیع ص ۱۲۷ .

(۲) فقیه همدانی در ص ۱۸۷ از حاشیه ای بر مکاسب دارد .

(۳) سید فقیه یزدی جلد ۲ ص ۹۹ حاشیه مکاسب .

(۴) علامه در تذکره جلد ۱۰ ص ۲۱۵ .

(۵) محقق جزائری در هدی الطالب جلد ۴ ص ۳۴۴ .

(۶) آیت الله خوئی در مصابح الفقاهة جلد ۲ ص ۶۲۹ .

(۷) صاحب جواهر در جلد ۲۲ جواهر ۴۳ جلدی ص ۲۷۳ .  
(۸) بلغة الفقیه جلد ۲ ص ۲۰۱ تألیف یکی از نوادگان سید بحر العلوم .

(۹) آخوند خراسانی ص ۵۶ از حاشیه مکاسب .

(۱۰) منیة الطالب جلد ۲ ص ۳ .

(۱۱) آیت الله قدیری در ص ۴۲۱ از جلد ۵ اول تقریرات درس بیع امام (ره) .

(۱۲) مرحوم نراقی در مستندالشیعة جلد ۱۴ ص ۲۷۴ که قائل به بطلان بیع فضولی می باشد .

(۱۳) ریاض جلد ۸ ص ۱۱۸ .

(۱۴) مفتاح الکرامة جلد ۱۲ ص ۵۹۰ .

(۱۵) محقق اصفهانی ص ۱۳۰ از حاشیه ی مکاسب .

یکی از دوستان چند سؤال نوشته اند ، اول اینکه آیا اجازه در بیع فضولی مفید إباحه است یا مالکیت ؟ در بحث بیع معاطاتی برخی قائل بودند بیع معاطاتی مفید إباحه می باشد ولی ما عرض کردیم بیع معاطاتی عرفاً و شرعاً و سیرة بیع است و مفید ملکیت می باشد بنابراین طبق قول آنها این حرف متمسکی می باشد و ما عرض می کنیم که اجازه إباحه نمی آورد بلکه ملکیت می آورد .

دوم اینکه فسخ نیز مثل اجازه می باشد یعنی چنانچه اجازه باعث می شود عقد فضولی صحت فعلی پیدا کند شیخ انصاری فرمودند فسخ نیز عقد را منحل می کند البته این بحث مربوط به آن جائی است که آیا ایقاعات فضولی داریم یا نه ؟ که اگر بگوئیم ایقاعات فضولی داریم فسخ نیز یکی از ایقاعات است لذا این بحث در آنجا مطرح می شود .

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ....

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین